



بررسی علل گرایش به فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد

اکبر شاه آبادی^۱، زهرا فلک الدین^۲

چکیده

مقدمه: یکی از مهم‌ترین مسائلی که جامعه ایران در دو دهه اخیر به شدت با آن درگیر بوده و به خاطر آن دچار ضربه‌های فراوانی شده است مسئله فرار دختران از منزل و گرفتار شدن آنان به انواع آسیب‌های اجتماعی بوده است در نتیجه در پژوهش حاضر سعی بر آن است به بررسی علل گرایش به فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد بپردازد.

روش: پژوهش حاضر میدانی، به لحاظ روش، پیمایشی، به لحاظ زمانی مقطعی و از نوع پژوهش کاربردی می‌باشد. جامعه آماری آن کلیه دانش آموزان شهر یزد می‌باشند که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۷۶۳ نفر مشخص گردید. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری احتمالی از نوع طبقه‌بندی متناسب با حجم استفاده شده است. ابزار مورد استفاده نیز، پرسش‌نامه می‌باشد. اعتبار آن از نوع محتوایی و برای محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که گرایش به فرار از منزل در بین دانش‌آموزان بالاتر از حد متوسط قرار دارد. همچنین بین محیط خانواده، گروه دوستان، خشونت والدین، اعتیاد والدین و میزان استفاده از رسانه با میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معناداری مشاهده شد اما بین رابطه سرد والدین و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معناداری مشاهده نشد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که با توجه به ضریب تعیین تعدیل‌شده‌ی کلی، متغیر باقی‌مانده در معادله‌ی رگرسیون ۴۰/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. **نتیجه‌گیری:** در نتیجه سازمان‌های زیربند مانند مراکز بهزیستی، مشاوره و مددکاری باید به این نوع از دختران و مشکلات شخصی - خانوادگی آنان توجه کرده و یاریگر آنان باشند.

کلیدواژه‌ها: فرار از منزل، دختران، محیط خانواده، گروه دوستان، خشونت والدین، رسانه

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول):

a_zare@Yazd.ac.ir 98713533190

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یزد، یزد، ایران:

Zahra.falakodin39@gmail.com

مقدمه

بهنجاری یا نابهنجاری در هر جامعه‌ای درگرو شرایط عمومی خانواده‌هاست و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید. به همین ترتیب هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر آن‌که از خانواده‌های سالم برخوردار باشد. از طرف دیگر خانواده برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. نقش اصلی و آشکار خانواده انتقال سینه‌به‌سینه ارزش‌ها و میراث فرهنگی و اعتقادی، حفظ روابط خویشاوندی، پرورش و تربیت نسل، تأمین نیازهای اساسی انسانی و بالاخره ایجاد تعادل روانی و عاطفی در افراد آن است. ارتباط والدین با نوجوان، درک وی از واقعیت‌های اجتماعی و همچنین آینده او را متأثر می‌سازد. (حمیدی، ۱۳۸۳: ۸۶).

دوره نوجوانی به دلیل تحولات عمده در ابعاد مختلف تحول، از حساس‌ترین دوره‌های زندگی انسان است. دوره‌ای که در آن سه حیطة روانی، اجتماعی و زیستی دچار تحول بنیادی می‌شود. تغییرات عمیق و تحولات سریع دوران نوجوانی از یک طرف و بحران‌های اجتماعی و کاهش شبکه ارتباطی خانوادگی و اجتماعی از طرف دیگر، زمینه‌ساز بروز تنیدگی‌های بیشتری در نوجوانان زمانه حاضر شده است. (پاکیزه، ۱۳۹۱: ۱۵). یکی از معضلات و نگرانی‌هایی که امروزه در جامعه شیوع پیدا کرده فرار دختران از خانه است که باعث ایجاد نگرانی بین خانواده‌ها و مصلحان اجتماعی شده است. (نیسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۶). فرار از منزل از عمده‌ترین مقولاتی است که توسط روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، درمان‌گران، روان‌پزشکان و مربیان تربیتی مورد توجه قرار گرفته است (صابری اسفیدواجانی، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۵). برآورد می‌شود که نزدیک به ۰/۲ کودکان ۱۲ تا ۱۸ ساله سالانه از خانه فرار می‌کنند. (شاره و آقا محمدیان، ۱۳۸۶: ۱۲۲). یکی از اهداف اصلی تأسیس مراکز مداخله در بحران‌های اجتماعی بهزیستی در نیمه دوم سال ۱۳۷۸ ساماندهی دختران فراری قلمداد شده است. به‌طوری‌که تا سال ۸۶ تعداد ۵۸۶۴ دختر خانه‌گریز در این مراکز مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. آمارهای ارائه شده از سوی مسئولین نشان می‌دهد که تعداد دختران فراری در سال ۷۸ نسبت به سال ۵۶، ۲۰ برابر افزایش یافته است. (فتحی، ۱۳۸۷: ۷۴). طبق پیمان‌نامه حقوق کودک که ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به عضویت این پیمان‌نامه درآمده است کودکان و نوجوانان علاوه بر حقوق دیگر حق زندگی، بقا و رشد دارند. نیز حق زندگی در کانون خانواده از حقوقی است که برای کودکان و نوجوانان طبیعی شمرده شده و دولت‌های عضو پیمان‌نامه ملزم به



رعایت و تحقق آن دانسته شده‌اند. (یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل، به نقل از حقیقت دوست، ۱۳۸۱: ۲۵۶). معضل دختران فراری یکی از مشکلات اجتماعی در حال افزایش است که به‌عنوان چالشی جدی برای خانواده‌ها، مراکز بهزیستی و سازمان دولتی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. (امیر پور و همکاران: ۱۳۹۳: ۴۰). با توجه به اهمیت نقشی که زنان در توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند و با عنایت به نقش مادر در تربیت نسل آینده کم‌توجهی به بررسی پدیده فرار دختران از منزل نه فقط به خود بلکه خانواده و جامعه را نیز در معرض عوارض وخیمی قرار می‌دهد که نتیجه نهایی آن تشدید عقب‌ماندگی کشور است. (زمانی، ۱۳۹۳: ۳۴). کارشناسان معتقدند اختلاف بین والدین، طلاق و جدایی آن‌ها، وجود ناپدیری و نامادری، ناآگاهی، بی‌سوادی و فقر فرهنگی والدین، بی‌مهری، بی‌توجهی و تبعیض میان فرزندان، سخت‌گیری و خشونت، اعتیاد و فساد، اختلاف خانوادگی، توقع بیش‌ازحد، ترس از تنبیه و توبیخ شدن، سرزنش، تحمیل ازدواج زود هنگام، ازدواج ناموفق، خیال‌پردازی و کسب شهرت، فقر مادی و فرهنگی، کمبود عواطف، عدم وجود محیط امن در خانواده، سوءظن و شک و بدخلقی والدین، ناخواسته بودن کودک، کنجکامی دوران نوجوانی نسبت به کشف مناسبات دنیای بیرون از خانه، داشتن دوستان ناباب و بسیاری از عوامل دیگر از جمله دلایل فرار از خانه محسوب می‌شوند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که شرایط نامساعد خانوادگی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در فرار دختران از خانه است. همچنین پژوهش‌ها نشان داده است اکثر آنان از طرف سرپرست و یا سایر اعضای خانواده حداقل یکی از رفتارهای تنبیه، طرد و تحقیر، عدم حمایت، بی‌توجهی یا عدم نظارت والدین، کتک زدن، توهین کردن، مسخره کردن، سوءاستفاده جنسی را تجربه کرده‌اند و اکثر آن‌ها احساس حقارت و نالایمی داشتند. (حضور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۰-۳۰۱). با توجه به مطالب گفته‌شده پدیده فرار دختران نوجوان از خانه در جهان و همچنین در کشور ما رو به افزایش است و بی‌توجهی و غفلت از این مهم می‌تواند مسائل و مشکلات زیادی را در همه ابعاد خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی برای جامعه به ارمغان بیاورد و هزینه‌های هنگفتی برای جبران این خسارات لازم است. با آموزش صحیح به خانواده‌ها و برخورد مناسب می‌توان این معضل را کاهش داد بنابراین لزوم توجه به این مسئله لازم و ضروری به نظر می‌رسد در این پژوهش بررسی علل گرایش به فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی شهر یزد که شهری سنتی است مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود چه عوامل خانوادگی و اجتماعی در شهر یزد دست به دست هم می‌دهند و باعث گرایش به فرار در بین دختران نوجوان می‌شوند و در آخر راهکارها و پیشنهادهایی برای این معضل بیان می‌گردد.



همچنین پژوهش‌های داخلی و خارجی مانند هاشمی و همکاران (۱۳۸۷)، اردلان و همکاران (۱۳۸۷)، شاره (۱۳۸۷)، بررسی چاپل^۱، جانسون^۲ و ویتبک^۳ (۲۰۰۴)، بائو^۴ و همکاران (۲۰۰۰)، استیفمن^۵ (۱۹۸۹)، گلدشیدر^۶ و گلدشیدر (۱۹۹۸) نیز به مشکلات و همچنین دلایل فرار از منزل اشاره کرده‌اند و با یافته‌های پژوهش همسو می‌باشد.

فرضیات پژوهش

میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد بالاتر از حد متوسط است.

بین محیط خانواده و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

بین گروه دوستان و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

بین خشونت والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

بین اعتیاد والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

بین رابطه سرد والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

بین میزان استفاده از رسانه و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش میدانی است که در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. به لحاظ روش، پیمایشی و به لحاظ نوع پژوهش، کاربردی و به لحاظ زمانی مقطعی می‌باشد. برای تدوین مطالب نظری پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد می‌باشد حجم جامعه مورد مطالعه ۴۲۰۲ نفر می‌باشد که برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از دانش‌آموزان به صورت جداگانه انجام گرفت تا واریانس صفت مورد مطالعه مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۳۶۷ نفر مشخص گردید. در این پژوهش از شیوه نمونه‌گیری احتمالی از نوع طبقه‌بندی متناسب با حجم استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه است؛ و سؤالات

- | | |
|-------------|-----------------|
| 1. Chapple | 2. Johnson |
| 3. Whitbeck | 4. Bao |
| 5. Stiffman | 6. Goldscheider |



با استفاده از طیف لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. پرسش‌نامه بعد از احراز اعتبار و پایایی و برای انتخاب بهترین گویه‌ها از نظرات محققین و اساتید استفاده شد؛ بنابراین اعتبار این پژوهش از نوع اعتبار محتوایی می‌باشد. به منظور برآورد پایایی سنج‌ها در پژوهش حاضر، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج محاسبه‌ی این شاخص درباره سنج‌های به کار گرفته شده نشان داد که پایایی سنج‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورد شده است. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. به منظور تحلیل اطلاعات، در سطح توصیفی از جداول یک‌بعدی، فراوانی، درصد و در سطح استنباطی برای آزمون همبستگی پیرسون، تی و رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: خروجی آزمون تی تک نمونه‌ای متغیر وابسته

متغیر	میانگین	T	درجه آزادی	اختلاف میانگین	سطح معناداری
گرایش به فرار از منزل	۱۶/۱۰	۱۵/۰۸	۳۶۵	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که با توجه به آزمون تی سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است در نتیجه فرض مبتنی بر گرایش به فرار از منزل دانش‌آموزان شهر یزد بالاتر از حد متوسط بود تأیید شد.

جدول ۲ - خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه بین میزان گرایش به فرار از منزل با متغیرهای مستقل (محیط خانواده، گروه دوستان، خشونت والدین، اعتیاد والدین، رابطه سرد والدین، میزان استفاده از رسانه)

گرایش به فرار از منزل در بین نوجوانان		
متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
محیط خانواده	۰/۶۲۱	۰/۰۰۰
گروه دوستان	۰/۳۴۱	۰/۰۰۰
خشونت والدین	۰/۵۸۸	۰/۰۰۰
اعتیاد والدین	۰/۳۷۷	۰/۰۰۰
رابطه سرد والدین	-۰/۰۷۹	۰/۱۳۱
میزان استفاده از رسانه	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰



آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمد بنابراین بین نگرش به بین محیط خانواده و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده شد و فرضیه تایید می‌گردد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمد بنابراین بین نگرش به بین گروه دوستان و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده شد و فرضیه تایید می‌گردد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمد بنابراین بین نگرش به بین خشونت والدین و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده شد و فرضیه تایید می‌گردد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمد بنابراین بین اعتیاد والدین و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده شد و فرضیه تایید می‌گردد. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۱۳۱ به دست آمد بنابراین بین نگرش به بین رابطه سرد والدین و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده نشد و فرضیه تایید نگردید. آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ چون سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ به دست آمد بنابراین بین میزان استفاده از رسانه و میزان گرایش به فرار از منزل رابطه معنی‌داری مشاهده شد و فرضیه تایید می‌گردد.

جدول ۳: ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین گرایش فرار دختران از منزل

Sig	F	R ² _{Adj}	R ²	R
۰۰۰/۰	۷۴/۷۴۸	۰/۴۰۲	۰/۴۰۸	۰/۶۳۹

ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با گرایش به فرار دختران برابر با $R=0/639$ و ضریب تعیین برابر $R^2=0/408$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $R^2_{Adj}=0/402$ به دست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیر مستقل موجود در معادله رگرسیون، می‌توان ۴۰/۲ درصد از واریانس گرایش به فرار دختران را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیده بودن متغیر وابسته تحقیق، یعنی گرایش به فرار دختران و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار می‌باشند.

همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار هست زیرا مقدار F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر گرایش به فرار دختران برابر ۷۴/۷۴۸ با سطح معنی‌داری $sig=0/000$ می‌باشد.



جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر گرایش به فرار دختران

متغیر	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده (Beta)	t	سطح معنی داری
	B	خطای معیار			
محیط خانواده	۰/۵۷۴	۰/۰۳	۰/۶۲۱	۱۵/۱۱	۰/۰۰۰
گروه دوستان	۰/۲۵۸	۰/۰۴۱	۰/۳۱۴	۶/۹	۰/۰۰۰
خشونت والدین	۰/۵۱۵	۰/۰۳۷	۰/۵۸۸	۱۳/۸	۰/۰۰۰
اعتیاد والدین	۰/۴۴۳	۰/۰۵۷	۰/۳۷۷	۷/۷	۰/۰۰۰
رابطه سرد والدین	-۰/۹۶۰	۰/۰۶۴	-۰/۰۷۹	۱/۵	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه	۰/۲۲	۰/۰۵۳	۰/۲۱۸	۴/۲۶	۰/۰۰۰

درمجموع با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه میشود که به ترتیب، محیط خانواده با مقدار $\beta=0/621$ ، خشونت والدین با مقدار $\beta=0/588$ ، اعتیاد والدین با مقدار $\beta=0/377$ ، گروه دوستان با مقدار $\beta=0/314$ ، استفاده از رسانه با مقدار $\beta=0/218$ ، رابطه سرد والدین با مقدار $\beta=-0/079$ بیشترین تأثیر را بر روی متغیر گرایش به فرار در دختران داشتهاند.

بحث و نتیجه گیری

چهره امروز شهرهای بزرگ کشورمان گرچه ظاهراً گویای تغییرات چشمگیر به سمت آبادانی، افزایش تسهیلات شهروندی، گسترده‌گی زیباسازی فیزیکی و توسعه شهری و خدمات مربوط به آن است. ولی از سوی دیگر نیز تراکم فزاینده جمعیت، وسایل نقلیه و آلودگی صوتی و هوا نشانه مهاجرت و هجوم بی‌رویه از نقاط کم جمعیت شهری و روستایی به این شهرهاست و این‌ها همه نشانه‌هایی از آغاز معضلات غیرقابل تحمل آن‌ها است. (میرزمانی و همکاران: ۴۲). توسعه زندگی شهری، گسترش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده است. به‌طور کلی آسیب اجتماعی به مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. وقتی که آمار جرم و بزهکاری از حد معینی در جامعه فراتر رفت. می‌توان از آن به‌عنوان آسیب اجتماعی نام برد. یکی از مصادیق آسیب‌های اجتماعی فرار از خانه است. (نیسی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۱۰۶)

با این اوصاف فرار از خانه می‌تواند واکنشی در برابر شرایط آشفته خانواده و اعتراض به بی‌عدالتی‌ها در درون خانواده و مدرسه باشد یا رفتاری حاکی از ترس، یاس، خشم، انتقام‌جویی از بزرگ‌ترها و یا رفتاری به تقلید از رفتارهای فرهنگ‌های دیگر که با



اشکال متفاوت از طریق رسانه‌های جمعی یا سفر و ... جاذبه‌های خود را عرضه می‌کند. در حال حاضر فرار دختران از منزل با توجه به هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری حاکم بر فرهنگ و خانواده‌های ایرانی بازتاب نامطلوب و نگران‌کننده‌ای داشته است. بررسی مسئله فرار دختران از منزل و برنامه‌ریزی در جهت نظارت و تقلیل عوامل تشدیدکننده آن می‌تواند جامعه را در رسیدن به انتظام اجتماعی و کانالیزه نمودن نسل جوان در جهت برقراری روابط سالم اجتماعی و هنجارمند مثرثمر باشد. (خدابخشی هفشجانی، ۱۳۹۲: ۲۵۸). در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به فرار دختران دبیرستانی منطقه دو شهر یزد پرداخته‌ایم و متغیرهای اجتماعی فرهنگی مانند محیط خانواده، گروه دوستان، خشونت والدین، اعتیاد والدین، رابطه سرد والدین، استفاده از رسانه و میزان تأثیر آنان را بر فرار دختران مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد بالاتر از حد متوسط است مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد در نتیجه فرض مبتنی بر گرایش به فرار از منزل دانش‌آموزان شهر یزد بالاتر از حد متوسط بود تأیید شد. چون شهر یزد شهری سنتی می‌باشد که طلاق نیز قبیح محسوب می‌شود و در ایران دارای رتبه اول طلاق عاطفی می‌باشد در نتیجه معمولاً در خانواده درگیری وجود دارد که این‌ها با هم میل به فرار را در دختران نوجوان یزدی بالا برده است. با توجه به نتایج پژوهش بین محیط خانواده و میزان گرایش به فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد؛ که با نتایج اردلان و همکاران (۱۳۸۷)، چاپل، جانسون و ویتیک (۲۰۰۴)؛ گلدشیدر و گلدشیدر (۱۹۸۹) همسو بود با توجه به نظریه انگیزشی هومر نوجوانانی که از جایی فرار می‌کنند از یک حیطة مهم زندگی خود احساس ناخشنودی می‌کنند (از قبیل احساس تعارض یا احساس بیگانگی نسبت به خانواده). این دختران تعارض‌های بین فردی و مشکلات خانوادگی زیادی را تجربه می‌کنند ولی قادر به حل و فصل مشکلات خود نیستند. شرایط خانوادگی این نوجوانان غالباً آسیب‌زا می‌باشد؛ به‌عنوان مثال مصرف مشروبات الکلی، سوءمصرف مواد، سوءاستفاده جنسی و جسمی یا مشکلات اقتصادی در این خانواده‌ها بیشتر مشاهده می‌شود؛ بنابراین فرار از خانه در این نوع موارد تصمیم منطقی برای گریز از آسیب تلقی می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش بین گروه دوستان و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد. تأیید شد و این مهم با یافته‌های اردلان و همکاران (۱۳۸۷) رابطه دارد ادوین ساترلند طبق نظریه پیوند افتراقی درباره چگونگی انتقال فرهنگی کجروی اظهار می‌دارد که کج رفتاری از طریق یک جریان ارتباطات اجتماعی حاصل می‌شود در واقع او اصطلاح یار بد را زنده می‌کند. فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. به نظر او رفتار انحرافی نه روان‌شناختی است نه ارثی بلکه همان‌گونه که مردم در مصاحبت و معاشرت با افراد



سازگار در طول یک جریان جامعه‌پذیری که بر پایه مقبولیت هنجارها قرار دارد. به سازش و انطباق با ارزش‌های اجتماعی می‌پردازند اگر در جریان جامعه‌پذیری تخطی از هنجارها را بیاموزند به سوی کج‌رفتاری کشانده می‌شوند. بر اساس نظریه ساترلند رفتار انحرافی از طریق معاشرت با اغیار یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند جنایتکاران آموخته می‌شود به عبارت دیگر بر اساس این نظریه رفتار جنایی فرد ارثی نیست بلکه از طریق تماس با اشخاص دیگر در اثر فرایند ارتباط یاد گرفته می‌شود. با توجه به نتایج پژوهش بین خشونت والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد. تأیید گردید و با نتایج باثو و همکاران (۲۰۰۰) رابطه وجود دارد همچنین بین اعتیاد والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد نیز تأیید گردید با یافته‌های استیفن (۱۹۸۹) همسو بود.

همچنین در تأیید این مسائل نظریه رانده شدن توسط فن درپلوگ نشان داد که بعد از بررسی مطالعات متعددی که بر روی فرار نوجوانان صورت گرفته ارائه شده است. در اغلب این تحقیقات مشاهده می‌شود که فرار، فرایند مرحله به مرحله است و نوجوانان و جوانان بعد از طی مراحل مختلف بدان اقدام می‌کنند. خانواده در این مورد نقش اساسی دارد زیرا از یک‌سو واجد تضاد، درگیری، کودک‌آزاری، پرخاشگری و کشمکش است و از سوی دیگر در آن فرزندان از حمایت احساسی و اجتماعی و امنیت اساسی برخوردار نیستند. تحقیقات صورت گرفته بر روی جوانان فراری نشان داده است که قطب‌های منفی هر یک از این ابعاد قویاً در خانواده جوانان مذکور یافت می‌شود. به طوری که طرد، غفلت و کنترل پرخاشگرایانه والدین نسبت به فرزندان در خانواده این جوانان قبل از آنکه فراری شوند مشاهده می‌شود. این‌گونه رفتارهای آسیب‌زای پرورشی مرتبط با دیگر مسائل خانواده مثل امکانات نامطلوب، فقر، اعتیاد والدین، انزوای اجتماعی و بحران‌های خانوادگی غیرقابل کنترل، طلاق، خشونت، کودک‌آزاری و غفلت در خانواده است. این وضعیت نامطلوب در خانواده منجر به آن می‌شود که بچه‌ها از خانواده طرد شوند و نهایتاً از خانه بیرون انداخته شوند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین رابطه سرد والدین و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد نیز تأیید گردید و با یافته‌های اردلان و همکاران (۱۳۸۷)، چاپل، جانسون و ویتبک (۲۰۰۴) رابطه وجود دارد. نظریه واکنش اجتماعی هاوارد بکر و ادوین لمرت نیز در این زمینه حائز اهمیت است. آن‌ها مشخص کرده‌اند که بر اثر واکنش‌های اجتماعی، شبکه روابط شخصی و تصور از خود به هم می‌ریزد و زمینه برای کجروی بعدی ایجاد می‌شود. در خانواده‌های نابسامان فرصت اجتماعی برای جامعه‌پذیری سالم وجود ندارد. شبکه شخصی به هم‌ریخته است تصویر از خود به علت مشخص نبودن نقش والدین فروپاشیده است و در نتیجه بزه دیدگان خانواده در جامعه زمینه‌ساز کجروی‌های بعدی خواهند بود؛ و رفتار نادرست والدین زمینه بزه را فراهم می‌کند همچنین نتایج نشان داد



که بین میزان استفاده از رسانه و میزان گرایش فرار از منزل در بین دختران دبیرستانی ناحیه دو شهر یزد رابطه وجود دارد به این معنی که هر چه فرد بیشتر درگیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌شود و چون همان‌گونه که ساترلند بیان می‌کند جامعه‌پذیری این افراد در خانواده و اجتماع درست شکل نگرفته است در نتیجه درگیر باندهای خلاف می‌شوند و این آغاز بزهکاری می‌باشد. برای رفع این مشکلات باید مراکز اجتماعی کردن و بازپروری مانند خانواده و مدرسه و همچنین بهزیستی نقش خود را به‌درستی ایفا کنند و با یاد دادن اصول جامعه‌پذیری مناسب افراد را دوباره به جامعه برگردانند زیرا نوجوانان هر جامعه آینده‌سازان آن جامعه محسوب می‌گردند همچنین چون بیشتر خانواده و مسائل آسیب‌زای مربوط به آن باعث این مشکلات می‌گردید در نتیجه باید برای رفع مشکلات خانواده و رفتار مناسب آنان با فرزندانشان چاره‌ای اندیشید و مسائلی مانند طلاق والدین، اعتیاد آنان را با همکاری مراکز مشاوره و روانشناسی مرتفع نمود. در واقع با توجه به این که یکی از دلایل فرار، محیط خانواده می‌باشد و این مشکلات نیز از شرایط نامطلوب جامعه مانند بیکاری والدین، تورم و... نشات می‌گیرد در نتیجه باید برای رفع مشکلاتی مانند بیکاری سرپرست خانواده، اعتیاد وی و... چاره‌ای اندیشیده شود و دولت و سازمان‌های ذی‌ربط با حل معضل اشتغال و کارآفرینی می‌توانند تا حدودی از بار مشکلات مربوطه بکاهند، همچنین باید اعتیاد والدین با کمک کمپ‌ها و سازمان‌های ترک اعتیاد، سازمان‌دهی شود و بعد از حل مشکل نیز توسط بهزیستی و مراکز مشاوره هدایت شوند. درواقع ریشه مشکلات فردی، بیشتر در بستر اجتماعی می‌باشد زیرا رابطه سرد والدین و خشونت آنان در محیط خانواده که یکی از دلایل فرار می‌باشد، می‌تواند با آموزش‌های قبل از ازدواج کاهش یابد تا افراد در انتخاب شریک زندگی خویش، بیشتر تأمل کنند و با یادگیری مهارت‌های ارتباطی، محیط خانه را برای خود و فرزندان تشنج‌آفرین، نکنند.

همچنین حوزه دوست‌یابی نوجوانان، به بحث جامعه‌پذیری آنان برمی‌گردد که با توجه به این که در سن حساس نوجوانی می‌باشند به خانواده‌ها و مدارس آگاهی بیشتری داده شود تا شرایط انتخاب دوست سالم به افراد بهتر آموزش داده شود و مهم‌ترین مهارت بحث نه گفتن می‌باشد که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و روانشناسی توسط مشاوران و مددکاران مدارس می‌تواند راهگشا باشد. همچنین وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها به‌عنوان یکی از ارکان جامعه‌پذیری می‌توانند نقش مؤثری در کاهش بزه دیدگی نوجوانان جامعه داشته باشد و با تولید محتوای آموزنده در این راه پیش‌قدم باشد؛ زیرا نوجوانان وقت زیادی از روز را در رسانه‌ها می‌گذرانند و می‌تواند به‌راحتی روح و روان آنان را تحت تأثیر قرار دهد. همین‌طور علاوه بر کنترل فعالیت‌های فرزندان توسط والدین در فضای مجازی، دولت نیز می‌تواند زیرساخت‌های کنترل فضای مجازی را توسعه دهد به‌طوری‌که محتوای نامناسب به‌راحتی در اختیار افراد قرار نگیرد.



منابع

۱. اردلان، علی؛ سیدان، فریبا؛ ذوالفقاری، مصطفی (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۹.
 ۲. امیر پور، برزو؛ امینی، کیانوش؛ فتحی احمد سرائی، نرگس، کلهرنیا گلکار، مریم (۱۳۹۳). نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های فرزندپروری و اعتماد اجتماعی در فرار دختران از خانه، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۱، شماره سوم، ۳۹-۵۰.
 ۳. پاکیزه، علی (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و منبع کنترل دختران فراری با دختران عادی، فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی، سال اول، شماره دوم، ۱۶-۳۱.
 ۴. حمیدی، فریده (۱۳۸۳). تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، ۸۵-۱۰۱.
 ۵. حقیقت دوست، زهرا (۱۳۸۱). عوامل زمینه‌ساز فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۳۱، ۲۵۱-۲۶۶.
 ۶. حضوری، رقیه؛ فرجی، رباب؛ افشین، قاطع (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی خدمات مددکاری در کاهش فرار دختران در اردبیل، مجله طب انتظامی، ویژه‌نامه، دوره ۵، شماره ۴، ۲۹۹-۶۰۳.
 ۷. خدابخشی هفشجانی، نسرين؛ علیپور، حسین؛ وظیفه دمیرچی؛ نادری، حمدالله (۱۳۹۲). بررسی علل اجتماعی بروز فرار دختران از منزل (مطالعه موردی شهرستان اردبیل)، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، ۲۵۵-۲۷۲.
 ۸. شاره، حسین (۱۳۸۷). ارتباط متغیرهای جمعیت شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان شهر مشهد، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال دهم، شماره سی و هفتم، ۱۴-۷.
 ۹. صابری اسفیدواجانی، محسن؛ مولوی نجومی، مرضیه؛ ملکوتی، سیدکاظم؛ اسماعیلی شاهرودی مقدم، زهرا؛ بحرینی، مهشید؛ جعفری، آسیه؛ مهاجر پور، امیرمحمد (۱۳۸۹). بررسی فراوانی عوامل مرتبط با خانه‌گریزی دختران فراری ارجاع داده‌شده به یکی از مراکز پزشکی قانونی استان تهران، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره شانزدهم، شماره یک، ۲۰-۱۴.
 ۱۰. فتحی، منصور (۱۳۸۷). عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷، ۹۴-۷۳.
 ۱۱. میرزمانی، سید محمود؛ کاووسی، روح‌انگیز؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۸۰). ویژگی‌های زمینه‌ای دختران و زنان گریزان از خانه، تحت پوشش مراکز بازپروری سازمان بهزیستی استان تهران، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال نهم، شماره ۳۴-۳۳، ۴۱-۵۲.
 ۱۲. نیسی، عبدالکاظم؛ حقیقی، جمال؛ پرهیزکار، مصطفی (۱۳۸۶). شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان، پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، ۱۲۰-۱۰۵.
- Bao WN, Whitbeck LB, Hoyt D. (2000). Abuse, Support, and Depression Among Homeless and Runaway Adolescent. *Journal of Health and Social Behavior*. 41: 408-420
- Chapple, C. L., Johnson, K. D., & Whitbeck, L.B. (2004). Gender and Arrest Among



.Homeless and Runaway Youth. Youth Violence and Juvenile Justice, 2, 129-47

Goldscheider Fk. Frances K. Goldscheider C(1998). "the Effects of Childhood Family

.Structure on Leaving and Returning Home. Journal of Marriage and Family. 60

Stiffman, Arlene R. (1989). Physical and Sextual Abuse in Runaway Youghts (12-18 Years).

.Child Abuse and Neglect, 13(3). 112-119



شماره ۲

سال اول

زمستان ۱۴۰۰

Investigating the causes of tendency to run away from home among high school girls in the second district of Yazd

Akbar Zare Shahabadi¹, Zhara falakodin²



شماره ۲

سال اول

زمستان ۱۴۰۰

Abstract

Introduction: One of the most important issues in Iranian society in the last two decades has been severely involved and has suffered many blows has been the issue of girls running away from home and being exposed to all kinds of social harms. As a result, in the present study, an attempt is made to investigate the causes of the tendency to run away from home among high school girls in the second district of Yazd.

Methodology: The present field research is methodical, survey, cross-sectional and applied research. The statistical population is all students in Yazd. The sample size was 367 using Cochran's formula. In this research, the probabilistic sampling method of classification according to volume has been used. The tool used is a questionnaire. Its validity was content type and Cronbach's alpha coefficient was used to calculate reliability.

Result: The results showed that the tendency to run away from home is above average among students. There was also a significant relationship between family environment, group of friends, parental violence, parental addiction and media use with the tendency to run away from home. But there was no significant relationship between parents' cold relationship and the tendency to run away from home. The results of regression analysis show that according to the coefficient of general adjustment, the remaining variable in the regression equation explains 40.2% of the variance of the dependent variable.

Conclusion: As a result, related organizations such as welfare centers, counseling and assistance should pay attention to this type of girls and their personal-family problems and help them.

Keywords: running away from home, girls, family environment, group of friends, parental violence, media

1. Assistant professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author)

2. PhD Student in Economic Sociology and Development, Yazd University, Yazd, Iran